

ادب عربي، سال ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰



10.22059/jalit.2021.317112.612340

Print ISSN: 2382-9850//Online ISSN: 2676-7627

<http://jalit.ut.ac.ir>

Manifestations of Difference in the Novel *al-Las and al-Kilab* using Bourdieu's Sociological Model

Ali Sayadani

Associate Professor in Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University

Yazdan Heydarpour Marand

MA Graduated of Arabic Language Translation, Azarbaijan Shahid Madani University

Sakineh Heydarpour Marand

PhD student in Sociology, Tabriz University

Received: 2021, January, 11; Accepted: 2021, December, 21

Abstract

In Bourdieu's view, social world is based on difference, and difference is manifested in structural concepts such as social space, field, class, capital and also in practice concepts like habitus, actions within field, taste and preference. Usually such fields as art, literature, and culture are rich representations of society, the analysis of which will result in understanding society. Therefore, understanding literary texts, for example, through Bourdieu's approach will show ways of difference in societies. *al-Las va al-Kilab* is one of Najib Mahfuz's symbolic novels that is suitable to be investigated using the above-mentioned concepts as the novelist, considering concepts such as religion, culture, society and class, deals with social and political status of society of Egypt and criticizes the dominant injustice. The novel narrates limitations and specific conditions that are dependent on a vast and complicated set of personal and social necessities. Within sociological criticism and using Bourdieu's theory, that this research examines the novel *al-Las va al-Kilab* from a sociological perspective and with an analytical approach. The study tried to investigate and show manifestations of difference in *al-Las va al-Kilab* represented in concepts of habitus, field, capital, social space and social classes, taste and preference. The results of the study showed that the novelist highlights a kind of cultural and class difference based on habitus and capitals of characters in different fields by examining the role of characters in social structures, so that characters in different fields and based of their habitus and according to their capitals, taste and their position and social classes in social spaces, show different manifestations of difference.

Keywords: Contemporary Novel, Story Criticism, Sociological Critique, Najib Mahfuz, *al-Las va al-Kilab*.

جلوه‌های تمایز در رمان اللّصّ و الکیلاب بر اساس الگوی

جامعه‌شناختی پیر بوردیو

علی صیادانی*

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

یزدان حیدرپور مرند

دانش آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

سکینه حیدرپور مرند

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

(از ص ۱۰۹ تا ۱۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

علمی-پژوهشی

چکیده

در نگاه بوردیو جهان اجتماعی بر پایه تمایز استوار است که این تمایز در مفاهیم ساختاری چون فضا، میدان، طبقه و سرمایه و همچنین در سطح مفاهیم کنشی، یعنی عادت‌واره، عملکردهای درون میدان و ذائقه و سلیقه نمایان است. معمولاً متن‌هایی چون هنر، رمان، ادبیات و حوزه‌های دیگر فرهنگ‌عامه سرریزهای جامعه‌اند که تحلیل و بررسی آنها می‌تواند پژوهشگران را به درک و فهم جامعه رهنمون سازد. فهم متن‌های ادبی با رویکرد بوردیویی، می‌تواند شیوه‌های تمایز در هر جامعه‌ای را نشان دهد. رمان اللّصّ و الکیلاب از داستان‌های نمادگرایانه نجیب محفوظ است که قابلیت بررسی در چارچوب مصادیق مزبور را دارد؛ چراکه نویسنده با در نظر داشتن مفاهیمی همچون دین، فرهنگ، جامعه و طبقه به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم در جامعه مصر می‌پردازد و به ناعدالتی‌های حاکم بر آن جامعه خُرده می‌گیرد. روایت داستان به گونه‌ای شکل یافته که محدودیت‌ها و شرایط خاص اجتماعی، به مجموعه‌ای گسترده و پیچیده از الزامات فردی و جمعی وابسته است. پژوهش حاضر به روش نقد جامعه‌شناسی با تکیه بر نظریه پیر بوردیو است که رمان اللّصّ و الکیلاب را از بعد جامعه‌شناختی و با رویکرد تحلیلی بررسی می‌کند و درصدد نشان دادن و بررسی جلوه‌هایی از تمایز در این رمان است که در قالب مفاهیم بوردیویی همچون منش‌ها و عادت‌واره‌ها، زمینه‌ها و میدان‌ها، عرصه‌ها و سرمایه‌ها، فضاها، طبقات اجتماعی و نیز ذائقه‌ها و سلیقه‌ها نمود یافته است. یافته‌های پژوهش حکایت از این واقعیت دارد که نویسنده در رمان مزبور، با بررسی نقش عاملان کنش در ساختارهای اجتماعی، نوعی تشخیص طبقاتی و فرهنگی را بر اساس عادت‌واره‌ها، سرمایه‌ها، فضاها، اجتماعی و شخصیت‌ها در میدان‌های مختلف برجسته می‌کند؛ به طوری که شخصیت‌ها در میدان‌های مختلف متناسب با عادت‌واره‌هایشان که ناشی از سرمایه‌ها، ذائقه‌ها و نیز جایگاه و طبقات اجتماعی آنها در فضاها اجتماعی است، جلوه‌هایی از تمایز را به نمایش می‌گذارند.

واژه‌های کلیدی: رمان معاصر، نقد داستان، نقد جامعه‌شناختی، نجیب محفوظ، رمان اللّصّ و الکیلاب.

۱. مقدمه

پیر بوردیو (Pierre Bourdieu) از بانفوذترین جامعه‌شناسان نظریه‌پرداز است. یکی از مصادیق رهیافت نظری بوردیو مفهوم «تمایز» (Discrimination) است. مفهوم تمایز در مجموعه رفتارها و سبک زندگی متفاوت افراد جامعه خلاصه می‌شود؛ یعنی تمایز، مجموعه تفاوت‌های برخاسته از رفتارها، کنش‌ها و سبک زندگی متفاوت افراد جامعه است که به جهت شرایط و موقعیت‌های متفاوتشان از لحاظ سرمایه‌ها و جایگاه آنها در میدان‌های اجتماعی گوناگون آشکار می‌شود؛ بنابراین، مسئله محوری بوردیو، نشان‌دادن این است که تمایز، واقعیت جامعه مدرن است و اینکه چگونه تمایز افراد بر اساس تفاوت در عادت‌واره‌ها (Habitus) و موقعیت آنها در میدان قابل شناخت است، و همچنین او بر اساس سرمایه‌های موجود در میدان و عادت‌واره، نوعی تمایز طبقاتی را هم برجسته می‌سازد؛ بدین‌گونه که طبقات اجتماعی در میدان‌های مختلف بر اساس سرمایه‌ها و عادت‌واره‌ها خود را متمایز می‌کنند و در جامعه نوعی ساخت طبقاتی شکل می‌گیرد و هر طبقه‌ای در میدان ویژه خودش متناسب با سرمایه و عادت‌واره متناسب به آن میدان، تمایل به متمایز جلوه دادن خود دارد. نکته مهم دیگر نظریه بوردیو، آن است که طبقات فرادست و فرودست در جامعه درگیر مبارزه‌ای بی‌پایان برای تثبیت موقعیت و هویت اجتماعی خود هستند.

این مسئله همواره «اسلوب‌های توالی را در ساختارهای اجتماعی نمایان می‌سازد که باعث ایجاد رهیافتی جدید از درک و تطبیق نظام‌های اجتماعی می‌شود» (شوفالیه و شوفیری، ۲۰۱۳: ۲۸۶). این درک و تطبیق نشان از رابطه‌ای خطی و ساده میان اصل عادت‌واره، نظام‌ها و ساختارهای اجتماعی دارد. به عبارت ساده‌تر، می‌توان گفت که اصل مزبور هم محصول نظام اجتماعی است که ساختارهای اجتماعی را بازتولید می‌کند و هم نقش‌ها و نشان‌های فردی و جمعی ساختارهای اجتماعی را دربرمی‌گیرد.

نجیب محفوظ، از پیشگامان داستان‌نویسی در مصر، همواره در رمان‌هایش دغدغه جامعه خود را داشته و به‌نوعی در داستان‌هایش به دنبال توصیف وضعیت جامعه و مشکلات آن است و از آنجا که نظریه بوردیو بر پایه تمایزها و تفاوت‌ها در جامعه سرمایه‌داری و قشربندی‌شده غرب، به‌ویژه فرانسه شکل گرفته است، چالش اصلی این پژوهش بررسی نظریه بوردیو در یکی از رمان‌های معروف نجیب محفوظ، با نام اللص و الکلاب (۱۹۶۱) است که در فضای اجتماعی مصر رخ می‌دهد و بررسی این مسئله که جلوه‌های تمایزبندی در این فضا به چه صورتی شکل گرفته است. رمان مزبور جامعه مصر در اوایل دهه شصت را به تصویر می‌کشد. جامعه‌ای که نجیب محفوظ همراه با شخصیت‌های اصلی و رویدادهای اجتماعی توصیف می‌کند، «جامعه‌ای است پر از عدالت فراموش‌شده و بسیاری از فقیرانی که در ذلت و پوچی به سر می‌برند» (بادرستانی، ۱۳۹۰: ۲۰۲). چنین توصیفی از جامعه، واکاوی عناصر فرهنگی و اجتماعی را بر پایه اوضاع سیاسی و اجتماعی حاکم بر مصر ملموس‌تر می‌نماید. در رمان حاضر، عملکرد شخصیت‌ها

متأثر از شرایط اجتماعی حاکم در جامعه است. در واقع داستان، روایت مشکلات فراگیر جامعه مصر است.

بنابراین، با توجه به نظریه بوردیو، می‌توان گفت کنش شخصیت‌ها در این متن، درون میدان‌ها رخ می‌دهد و به‌نوعی کنش‌ها را در درون ساختارهای اجتماعی (Social Structures) پیوند می‌دهد و در عین حال، تعامل و برخورد میان شخصیت‌هایی که هرکدام نماینده طبقه خاصی از جامعه هستند، عادت‌واره‌های آن طبقه را نمایان می‌کند که تمایز در این جامعه را برجسته می‌سازد. پژوهشگران با توجه به اهمیت این موضوع به نقد جامعه‌شناسی شواهدی از رمان اللص و الکلاب بر اساس مضامین نظریه پیربوردیو پرداخته‌اند که ساختار اصلی جستار حاضر را شامل می‌شود.

پژوهش حاضر ضمن بررسی مفاهیم اصل عادت‌واره در رمان مزبور، درصدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست: ۱. مطابق رویکرد اجتماعی پیر بوردیو در بحث از تمایز، مفاهیم عادت‌واره، میدان، سرمایه و ذائقه چگونه در شخصیت‌های رمان اللص و الکلاب بروز و ظهور یافته است؟ ۲. فرآیند تمایز طبقاتی و تشخیص بر اساس مفاهیم بوردیویی در رمان اللص و الکلاب چگونه شکل گرفته است؟

پژوهش‌های معدودی درباره رمان اللص و الکلاب انجام شده است؛ از جمله می‌توان به تحقیقی با عنوان «بررسی و تطبیق عنصر شخصیت‌پردازی در رمان اللص و الکلاب اثر نجیب محفوظ و بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم اثر نادر ابراهیمی» (۱۳۹۵) اشاره کرد که عادل آزاددل و همکاران با رویکرد توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای انجام پذیرفته است. فاطمه جمشیدی و وصال میمندی نیز پژوهشی با عنوان «شخصیت‌پردازی در رمان اللص و الکلاب اثر نجیب محفوظ» (۱۳۹۶) انجام داده‌اند که در آن با برشمردن اقسام شخصیت و شیوه‌های پردازش آن، شخصیت‌های رمان را با توجه به معیارهای ارزیابی معرفی می‌کنند. همچنین می‌توان به تحقیقی با عنوان «Habitus and Intellectual Trajectory in the Translational Process: A Case Study» (۲۰۱۹) به قلم لیندا الخواجه اشاره کرد که در آن نویسنده میزان تأثیر اندیشه، ایدئولوژی مترجم، آگاهی و دانش و کیفیت پیشینه عملی او را در فرآیند ترجمانی مشخص می‌کند. نویسنده در ادامه بحث از رویکرد بوردیو (هابیتوس) در تحلیل ترجمه دو رمان زقاق المدق (۱۹۴۷) و اللص و الکلاب نجیب محفوظ استفاده می‌کند. نتیجه بحث نشان از واقعیت ارتباط بین توانایی‌ها و رفتار فرد در راستای فرآیندهای اجتماعی و تولیدات فرهنگی دارد.

کاتوم زدام در رساله «البعء الاجتماعي في رواية اللص و الکلاب لنجيب محفوظ» (۲۰۱۳) رمان اللص و الکلاب را از منظر اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. شاکله اصلی بحث مورد نظر او تمایز توده‌های طبقات اجتماعی است. به اعتقاد نویسنده تمایز موجود در میان

توده‌های طبقات اجتماعی تصویری از واقعیت اجتماعی و نمودی از مسائل متعدد موجود در جامعه، همچون جایگاه زنان، دین و غیره است و این همان چیزی است که ما در اللص و الکلاب می‌یابیم؛ اما آنچه پژوهش حاضر را از سایر تحقیق‌های مزبور متمایز می‌سازد، بررسی روند اصول جامعه‌شناختی بوردیوی در اللص و الکلاب است. پژوهشگران این پژوهش به بررسی ابعاد مختلف اصول مزبور در چارچوب‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی رمان حاضر پرداخته‌اند و در این مسیر کوشیده‌اند تا مفاهیم مزبور را در قالب چارچوب‌های جامعه‌شناختی و اجتماعی به تصویر بکشند.

۲. الگوی جامعه‌شناختی پیربورديو

بورديو با بینش تلفیقی و انتقادی، کنش یا عمل اجتماعی (Social Action) را در ارتباط با مفاهیمی همچون میدان، عادت‌واره، سرمایه‌ها و غیره در سطوح مختلف تحلیل کرده است. از نظر وی «افراد در فضای اجتماعی، مشخصه‌های فرهنگی خاصی پیدا می‌کنند که آنان را از یکدیگر جدا می‌سازد. آنان فرهنگ‌های متفاوتی دارند و تمایز از اینجا برمی‌خیزد؛ البته این تفاوت‌ها می‌تواند به نقطه کانونی ستیز نمادین مبدل شوند» (گرنفل، ۱۳۹۳: ۱۶۳). با در نظر داشتن این مسأله می‌توان این‌گونه برداشت کرد که تمایز به مجموعه کنش‌ها و سبک زندگی افراد یک جامعه اطلاق می‌شود که «به دلیل موقعیت‌های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتنشان در میدان‌های اجتماعی گوناگون میان آن‌ها ظاهر می‌شود» (بورديو، ۱۳۹۰: ۳۱). از نظر بورديو تمایز با تفاوت فرق دارد؛ در تمایز نوعی رجحان و سلسله‌مراتب برقرار است؛ به این معنی که افراد با توجه به تفاوت‌هایی که در شرایط و وضعیت‌های اجتماعی با یکدیگر دارند، میان این شرایط اجتماعی آنها سلسله‌مراتبی حاکم است که همان طبقه‌بندی اجتماعی است.

بورديو در واقع کنش را نتیجه ارتباط میان تمایلات شخصی (عادت‌واره) و جایگاه او در میدان (سرمایه) و نیز تمایز در موقعیت‌های اجتماعی می‌داند. ارتباط و تلفیق مفاهیم مزبور بدین صورت قابل تبیین است.

$$[(\text{عادت‌واره}) \times (\text{سرمایه})] + \text{میدان} = \text{کنش}$$

(همان: ۱۰۷)

بورديو در بحث از تمایز، عادت‌واره را حاصل درونی کردن مجموعه قواعد اجتماعی می‌داند؛ درونی‌کردنی که به‌طور ناخودآگاه فقط از طریق مشارکت در زندگی اجتماعی رخ می‌دهد. عادت‌واره در ارتباط با میدان‌هایی که فرد در آنها حضور دارد، به‌واسطه باور شکل می‌گیرد. شکل‌گیری تمایز با عادت‌واره نیز در ارتباط است. عادت‌واره سلیقه و ذائقه عاملان اجتماعی را نیز شکل می‌دهد. در واقع این مفاهیم «یک کل یکجا جمع‌شونده فرهنگی و تجارب شخصی است

که هر فرد آنها را به‌عنوان تجربیات زندگی با خود به همراه دارد» (توحیدفام و حسینیان امیری، ۱۳۸۸: ۸۷). این مفاهیم به‌طور کلی در قالب شاخصه‌ها و مصادیق ذیل قابل تبیین است.

۲-۱. منش یا عادت‌واره

بوردیو مفهوم عادت‌واره را «مجموعه‌ای ثابت از خلق و خوها تعریف می‌کند که محصول تجربه‌های کنشگران در موقعیت‌های خاصی در ساختار اجتماعی است؛ ساختاری که کنش‌ها و بازنمودها را تولید می‌کند و به آنها نظم می‌بخشد» (۱۹۹۵: ۵۳). به باور بوردیو جامعه‌پذیری با تضمین ادغام عادت‌واره‌های طبقاتی، به‌واسطه بازتولید طبقه به‌مثابه گروهی که عادت‌واره مشابهی دارند، در افراد تعلق طبقاتی ایجاد می‌کند. عادت‌واره‌ها با توجه به زمینه طبقاتی، متفاوت هستند. این تفاوت‌ها در عادت‌واره، اغلب به نابرابری در به‌کارگیری منابع منجر می‌شود.

۲-۲. فضای اجتماعی

در نظر بوردیو، جامعه به‌عنوان فضای اجتماعی (Social Space) بازنمایی می‌شود. این فضای اجتماعی جایگاه رقابتی شدید و بی‌پایان است و در جریان این رقابت‌ها، تفاوت‌هایی ظهور می‌کند که ماده و چارچوب لازم برای هستی اجتماعی را فراهم می‌آورند. این فضا موجودیتی غیر یکپارچه است که در آن مدل‌های کوچک متمایزی از قواعد و مقررات و اشکال قدرت وجود دارد؛ این مدل‌های کوچک متمایز، «میدان» خوانده می‌شوند.

به اعتقاد بوردیو فضای اجتماعی از «مجموعه میدان‌های اجتماعی ساخته شده که عاملان اجتماعی در آن بر اساس جایگاهشان در توزیع سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی تقسیم می‌شوند» (بوردیو، ۱۳۸۰: ۷۵). به این ترتیب، موقعیت کنشگران در میدان، بسته به سرمایه‌های در دسترس آنها است.

۲-۳. زمینه (میدان)

بوردیو بر این باور است که میدان (Field) «به‌عنوان حوزه‌ای از کشمکش‌ها، نوعی میدان کنش به لحاظ اجتماعی برساخته‌شده که در آن عاملان برخوردار از منابع متفاوت با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند تا روابط قدرت موجود را حفظ یا دگرگون کنند. عاملان، کنش‌هایی را در میدان انجام می‌دهند که اهداف، وسایل و تأثیرشان، به جایگاه آنان در میدان نیروها و در ساختار توزیع سرمایه بستگی دارد» (۱۳۸۶: ۸۴). در بحث از میدان بوردیو درک تعامل میان کنشگران (مردم) و پدیده‌های اجتماعی را منوط به بررسی فضا‌سازی‌های اجتماعی میان کنشگران می‌داند.

۲-۴. سرمایه‌ها

مفهوم سرمایه (Capital) از عناصر اصلی رویکرد بوردیو است. به اعتقاد بوردیو «سرمایه در مفهوم اصلی خود تنها ابزاری برای رسیدن به نتیجه نیست، بلکه علاوه بر آن، ابزاری اجتماعی میان

طبقات اصلی جوامع سرمایه‌داری و نیز ارتباط بهره‌گیری مالکان اصلی و کارگزاران آنهاست» (بوردیو به نقل از آبودوح، ۲۰۱۹: ۳۲۳). بر اساس نظریه بوردیو، چهار نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سرمایه نمادین را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد. بوردیو در بحث از سرمایه اقتصادی، مالکیت منابع مادی و مالی و نیز مجموع دارایی‌های اقتصادی را ملاک بحث و بررسی می‌داند. از سوی دیگر، بوردیو بحث سرمایه فرهنگی (Cultural-Capital) را مطرح می‌کند. به اعتقاد او «سرمایه‌های فرهنگی با مجموعه‌ای از داشته‌های فکری منطبق است که توسط نظام آموزشی تولید می‌شوند یا از طریق خانواده انتقال می‌یابند» (بوردیو به نقل از بون ویتز، ۱۳۹۰: ۶۸). بوردیو با بیان این تعبیر سرمایه‌های فرهنگی را در وضعیت‌های پایدار ذاتی (استعدادها) و وضعیت‌های پذیرفته‌شده و نهادینه‌شده اجتماعی خلاصه می‌کند. این وضعیت‌ها حاصل نظام‌های آموزشی و خانواده هستند. مسئله دیگر، سرمایه اجتماعی (Social-Capital) است که بوردیو ایجاد آن را از طریق مبادلات و ارتباط اعضای گروه با وظایف و هویت‌های مشترک میسر می‌داند. سرمایه‌های اجتماعی به «توانایی گروهی از افراد صاحب قدرت با ویژگی تأثیرگذاری جمعی اشاره دارد که در آن افراد و توانایی‌های ویژه آنها شبکه اجتماعی خاصی را برای جامعه و عاملان آن ترسیم می‌کند» (عبدالله، ۲۰۲۰: ۱۳۱). از سوی دیگر، بوردیو سرمایه نمادین را مطرح می‌سازد که خود تولید سرمایه می‌کند؛ به تعبیر دیگر، رشد و توسعه سایر سرمایه‌ها مرهون سرمایه نمادین است. سرمایه نمادین علاوه بر بیان اهمیت نمادها در جامعه، به این موضوع تأکید می‌کند که ارزش سرمایه‌های مختلف نیز تا حدی در گرو شناخت و پذیرش جامعه از آن سرمایه است.

۲-۵. انواع طبقات اجتماعی

بوردیو در کتاب تمایز (۱۳۹۰) ویژگی‌های طبقات مختلف را نشان می‌دهد. او فضای اجتماعی را به سه طبقه فرادست، متوسط و فرودست تقسیم می‌کند. بوردیو از طبقات اجتماعی، نخست در تحلیل ساختارهای اجتماعی درباره مفهوم هابیتوس استفاده می‌کند که به وسیله آن نظام اجتماعی از استعدادها ذاتی کنشگر از جمله اندیشه‌ها، ادراک و تعبیرات به صورت سازمان‌یافته صورت می‌پذیرد؛ در وهله دیگر، بوردیو تحلیل طبقات اجتماعی را مبتنی بر نظام‌های نمادین (Symbolic Systems) قرار می‌دهد. به طور کلی باید گفت بررسی طبقات اجتماعی همچون حلقه‌ای بنیادین و در عین حال پیچیده در ساختارهای اجتماعی مبتنی بر الگوهای عادت‌واره، امری ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۶. ذائقه‌ها

آشکارترین نمودهای عادت‌واره را می‌توان در مفهوم سلیقه یا ذائقه (taste) بررسی کرد. در این مسیر، توجه به رابطه پویای میان ساختارهای اجتماعی و کنش اجتماعی، پیوسته به تحلیل رابطه میان ذائقه‌ها و کنش‌های اجتماعی بستگی دارد که موقعیت‌ها و طبقات اجتماعی کنشگران در

فضاهای اجتماعی، نظم‌دهنده و قاعده‌مندساز میان این منس‌ها و کنش‌ها هستند. به باور بوردیو «ذائقه بیان تمایز است و تمایز گروه‌های مختلف اجتماعی و تشخیص طبقاتی را شکل می‌دهد و می‌توان گفت که مجموعه‌ای از ذائقه‌ها و باورها هستند که یک طبقه یا بخشی از یک طبقه معین را مشخص می‌کند» (بوردیو به نقل از بون ویتز، ۱۳۹۱: ۹۷).

ذائقه برای بوردیو از طریق عادت‌واره یا سبک زندگی نخبه فرهنگی تعریف می‌شود. وی میان سه نوع از ذائقه فرهنگی تمایز قرار می‌دهد: «نخست فرهنگ یا ذائقه متشخص (Highbrow) که ویژگی طبقه مسلط است؛ دوم ذائقه میان‌مایه (Middlebrow) نوعی از طبقه متوسط یا خرده‌بورژواست؛ و درنهایت، ذائقه عوامانه که ویژگی‌های طبقه پایین است» (Turner, 2002: 22). بوردیو تمایز و تملک انواع سرمایه‌ها را منشأ تفاوت در ذائقه‌ها می‌داند. وی بر این نکته تأکید می‌کند که سلیقه یا ذائقه در جامعه از ساختار طبقاتی برخوردار است و موقعیت و منزلت افراد در جامعه، تعیین‌کننده عادت‌واره و سلیقه افراد است و کنشگران با استراتژی تمایز، موقعیت خود را در میدان بازتولید می‌کنند.

۳. تحلیل رمان بر اساس رهیافت‌های نظری بوردیو

نجیب محفوظ از نویسندگان معاصر، در فضای کاملاً سیاسی و ملی‌گرایانه رشد یافته است. جامعه‌ای که او در آن زندگی می‌کند، سرشار از کشمکش‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و سیاسی است که این مسئله در آثار وی تأثیر می‌گذارد. به‌خصوص در *اللص و الكلاب* (۱۹۶۱) که رمانی انتقادی است که واقعیت‌های جامعه مصر را بعد از انقلاب ۱۹۵۲ به چالش می‌کشد. جامعه مصر متأثر از تقابل طبقاتی بین طبقه فرودستان و فرادستان بوده است که این تقابل در شخصیت‌های داستان به تصویر کشیده شده است. شخصیت‌ها، سبک زندگی و شیوه تعامل آنها با محیط اجتماعی و نیز عملکرد آنان در جریان فضای سیاسی و اجتماعی شاکله اصلی رمان مزبور را شکل می‌دهد. در این رمان عملکرد و رفتار شخصیت‌های اصلی همچون سعید مهران، شیخ جنیدی و نور در ارتباط با شخصیت‌های فرعی همچون نویه، رؤوف علوان، علیش سدره و غیره تابع فضای سیاسی و اجتماعی جامعه صورت می‌پذیرد. شرایط اجتماعی در این فضا به‌گونه‌ای رقم خورده است که هریک از این شخصیت‌ها در موقعیت‌های متفاوتی قرار دارند؛ و این تفاوت در فضا سازی، شخصیت‌های مزبور را به خشونت و تنش هدایت می‌کند. سعید مهران، به‌عنوان قهرمان داستان، نماد کشمکش شخص فقیری با جامعه خود است. او در این مسیر با شخصیت‌های متفاوتی برخورد می‌کند و این شخصیت‌ها با ایجاد انگیزش‌های لازم فرآیند کنش اجتماعی او را در بستر اجتماعی فراهم می‌آورند.

کشمکش میان شخصیت‌های داستان در بستر یک میدان خاص بر سر دستیابی به سرمایه‌های متفاوتی صورت می‌پذیرد. این شخصیت‌ها با پذیرش قواعد و الگوهای آن میدان، یعنی عادت‌واره،

به جهت موقعیت‌های اجتماعی خاص خود و نیز با تکیه بر ذائقه‌ها، به صورت گوناگون از این سرمایه‌ها برخوردار می‌شوند که آن‌ها را از طبقات دیگر متمایز می‌کند. با در نظر داشتن این مسئله سعی شده است تا ساختار محتوایی اثر بر اساس مفاهیم مزبور بررسی شود.

۳-۱. فضای اجتماعی

به باور بوردیو فضای اجتماعی حوزه قدرت و سلطه است که تأثیر خود را به طور مستقیم بر عاملان کنش اجتماعی می‌گذارد و از سوی دیگر، حوزه منازعه میان این عاملان است که عاملان کنش به حسب موقعیت خود و با اهداف متفاوت در حال رقابت با یکدیگر هستند. در فضای اجتماعی رمان حاضر آنچه شخصیت اصلی آن را به انحراف می‌کشاند، به نوعی از شرایط اجتماعی متأثر بوده است و در واقع فضای نامساعد و ناامنی که در جامعه حاکم است، باعث می‌شود شخصیت رمان به هر کنشی دست بزند تا از وضعیت موجود رهایی یابد. این فضا در نمونه‌های ذیل قابل تبیین است.

● أغمضُ عينيه في الظلام واعترف اعترافاً صامتاً بأنه يجيها و أنه لا يتردد في بذل النفس لистерدها سالمة؛ و نفخ غاضباً و هو يتسائل: هل تهنز شعرة في الوجود لضياعتها؟ (محفوظ، ۱۹۶۱: ۱۵۸).

ترجمه: چشمانش را در تاریکی بست و در دل اعتراف کرد که او را دوست می‌دارد و در اینکه با بذل جان او را به سلامت بازگرداند، تردید نمی‌کند. سپس باخشم نفس خویش را بیرون داد و گفت: بین آیا سر مویی در تمام کائنات، با از میان رفتن نور تکان خواهد خورد؟

جامعه‌ای که نجیب محفوظ در عبارت حاضر به تصویر می‌کشد، فقیرانی هستند که در ذلالت و بی‌عدالتی به سر می‌برند. نویسنده در این عبارت کلی ضمن بیان بی‌عدالتی حاکم در جامعه، به زنان قربانی شده فقر می‌پردازد که از روی تنگنا و ناچاری تن به خودفروشی می‌دهند. نجیب محفوظ شخصیت «نور» را به تصویر می‌کشد. هنگامی که نور گم می‌شود. نویسنده از زبان «سعید مهران» عبارت «هل تهنز شعرة في الوجود لضياعتها؟» را مطرح می‌سازد. این عبارت رفتارهای اجتماعی حاکم بر جامعه مصر را نشان می‌دهد؛ که در آن آشکار شدن تار موی زن که نشان از فقر و تنگنای آن باشد، برای دیگران ارزشی ندارد. در واقع این نوع رفتار و باور (Doxa) نسبت به ناهنجاری، «ماحصل رفتاری است که بر اساس عملکردهای جامعه و شرایط حاکم و بر اساس قدرتی که بر اذهان عمومی حاکم است، ایجاد می‌شود» (بوردیو، ۱۹۹۵: ۱۸۵). در حقیقت، شرایط حاکم در جامعه این نوع رفتار را در جامعه ایجاد می‌کند.

● و يتحدث عنك ناس كأنك عنترة و لكنهم لا يدرون عذابنا ... فقال ببساطة: أكثرية شعبنا لاتخاف اللصوص و لاتكرههم ... و تواصلت خمس دقائق في التهام الشواء ثم قال: و لكنهم بالفطرة يكرهون الكلاب ... (محفوظ، ۱۹۶۱: ۱۲۶)

ترجمه: مردم به گونه‌ای از تو حرف می‌زنند که انگار عنتره بن شداد هستی. آنها نمی‌دانند که ما چه عذایی می‌کشیم. سعید به آرامی گفت: بیشتر مردم ما از دزدها نمی‌ترسند و از آنها بدشان نمی‌آید. پنج دقیقه که از گوشت خوردنش گذشت، سعید گفت: ولی آنها ذاتاً از سگ‌ها بدشان می‌آید.

در عبارت مزبور آنچه عملکرد کنشگران جامعه حاضر را به تصویر می‌کشد، ظلم و توزیع ناعادلانه ثروت بوده است که در فضای اجتماعی رمان نمود می‌یابد. تشبیه عاملان این ظلم و توزیع ناعادلانه ثروت به سگان، نمودی از فضاست. در واقع این تعبیر از سوی کنشگران، وقتی آشکار می‌شود که بدانیم افرادی که مردم را به آزادی فراخوانده‌اند، خود در خانه‌های مجلل و زیبا زندگی می‌کنند و این خوی اشرافی‌گری در این افراد که داعی انقلاب و مبارزه با نظام حاکمیتی بوده‌اند، تأثیر نهاده و خود اصول و مبانی انقلابی را زیر پا گذاشته‌اند. سعید مهران برخلاف مردم مصر، به این استبداد حاکمانی که مدعیان آزادی بودند، اعتراض می‌کند و برای اثبات وجود خود در برابر این استبداد می‌ایستد. او از ظالمان متنفر است و باور به اینکه ظلم حاکمان آزادی‌خواه به مثابه ستم پادشاهان پیشین است و این ظلم در توزیع ناعادلانه ثروت میان اقشار مردم نمود یافته، موجب شده است وی دست به این حرکت‌های اعتراضی بزند.

در واقع «نوع عملکرد و رفتارها و منش‌های مختلف کنشگران شرایط حاضر، متأثر از گفتارهای متضادگونه راهبران آزادی‌خواه آنهاست که ارتباط خاص مردم و رفتارهای آنها از طریق موقعیت‌های ایجادشده و جایگاه عملکردی مردم در آن شرایط مشخص می‌شود» (بوردیو، ۲۰۰۲: ۲۵۴). این تقابل و تنازع میان عاملان کنش، تحت تأثیر قدرت و سلطه حاکم در فضای اجتماعی است. رؤوف به خاطر وابستگی به طبقه بالای جامعه، می‌تواند نوعی سلطه را علیه شخصیت اصلی رمان اعمال کند. در این تعبیر «مفهوم سلطه در چارچوب ساخت اجتماعی و زمینه عملکردی عاملان آن آشکار می‌شود» (الشهری، ۲۰۰۴: ۲۲۱). آنچه در این گفتار نمود یافته، تسلط و قدرت رهبران آزادی‌خواه است که با شرایط خاص و گفتارهای متضادگونه خود بر رفتار و باورهای آنها تأثیر می‌گذارند.

۲-۳. زمینه (میدان)

زمینه از عناصر اصلی نظریه بوردیو است که در آن نویسنده به توصیف این میدان‌ها می‌پردازد. فرد با فرارگرفتن در موقعیت مشخصی از میدان، می‌آموزد که چگونه باید عمل کند. «هر میدان، منطق عمل خاص خود را دارد. عاملان اجتماعی که جایگاه‌های خاص را تصرف می‌کنند، می‌فهمند که چگونه باید در میدان رفتار نمود و این درک نه تنها طبیعی به نظر می‌رسد، بلکه می‌توان آن را به کمک باور عمومی حاکم بر میدان توضیح داد» (گرنفل، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

در این رمان شاهد میدان‌های مختلفی هستیم؛ مانند میدان اقتصاد، میدان اخلاق و میدان قدرت که افراد در این میدان‌ها باهم در رقابت‌اند. این میدان‌ها و بسترها در نمونه‌های زیر نمود می‌یابد:

● و لم تفارق عيناه القبلا رقم ۱۸ لحظة واحدة، ... يا لها من قبلا خالية من ثلاث جهات و الجهة الرابعة حديقة مترامية؛ و أشباح هذه الأشجار تتناحي حول جسد القبلا الأبيض (محفوظ، ۱۹۶۱: ۳۶).

ترجمه: یک لحظه هم چشم از ویلای شماره ۱۸ برنداشت ... عجب ویلایی! از سه طرف خالی و از طرف چهارم باغی وسیع. سایه‌های درختان اطراف دیوارهای این ویلای سفید نجوا می‌کردند. از عوامل مهمی که در بررسی گفتار حاضر اهمیت می‌یابد، ارزیابی رویدادها در زمینه مشخص و مکان معینی بوده است؛ از این رو، هر حادثه‌ای که روی می‌دهد، باید با شرایط و اصول خاص مکانی منطبق باشد. در گفتار حاضر آنچه نمود می‌یابد، عملکرد قهرمان داستان (کنشگر) در مواجهه با بستر مشخصی است. در گفتار حاضر نویسنده با مطرح ساختن دارایی رؤوف علوان، نوعی بحث از ساختار میدان اقتصادی متأثر از شرایط اجتماعی را میان عاملان کنش مطرح می‌سازد. به باور بورديو ساختار میدان اقتصادی توسط حجم و ساختار سرمایه‌ها تعیین می‌شود. در بررسی گفتار مزبور، باید اشاره کرد که سرمایه مالی مورد نظر بورديو، ساختار میدان اقتصادی را آشکار می‌کند. به تبع ساختار میدان اقتصادی ایجادشده، نوع باور و بینش میان عاملان کنش نیز شکل می‌یابد. باید گفت این ساختار نوع باور سعید مهران را در قبال کنش رؤوف علوان آشکار می‌کند. این نوع باور گواه تمایز میدان اقتصاد بین شخصیت‌هاست؛ به طوری که دوست سعید، رؤوف علوان، همان طور که در متن رمان اشاره می‌شود، روزنامه‌نگار و فردی ثروتمند است؛ البته او تصویری از فرصت‌طلبانی است که به اصول خود خیانت و به یمن انقلاب ترقی کرده‌اند، ولی در مسیر انباشت سرمایه، به ارزش‌های انقلاب بی‌توجه‌اند و به‌عنوان طبقه بالای جامعه، مشکل مالی ندارد و این نکته را از توصیف ویلا و وسایل خانه این شخصیت درمی‌یابیم. از لحاظ منزلت اجتماعی و شغلی، موقعیت مناسبی دارد. با در نظر داشتن این موضوع باید اشاره کرد که این منزلت اجتماعی و شغلی گواه باور عمومی است.

کتبت الجريدة في السهابة مثير عن تاريخه في اللصوصية و سلسلة المغامرات التي كسفت عنها محاكمة و قصور الأغنياء التي سطا عليها و عن شخصيته و جنونه الخفي و جراته الاجرامية التي انتهت إلى سفك الدماء (محفوظ، ۱۹۶۱: ۱۰۶).

آن روزنامه درباره تاریخ دزدی‌های او زیاده‌روی کرده بود. از ماجراهایی نوشته بود که طی محاکمه‌اش اقرار کرده بود، از قصرهای ثروتمندانی که از آنها دزدی کرده، از شخصیت او، دیوانگی پنهان او و از خوی جنایت‌کارانه او که به خون‌ریزی منتهی می‌شد.

در این گفتار عامل قدرت سبب ایجاد زمینه و بستر کنش اجتماعی کنشگر داستان شده است. به اعتقاد بورديو میدان قدرت، میدان بازی است که برندگان این میدان دارای سرمایه‌ها و عادت‌واره‌هایی هستند. در واقع کارت برنده عادت‌واره و سرمایه است. در این بخش، سعید در برابر رؤوف خودش را بازنده می‌بیند و احساس بی‌قدرتی می‌کند. او در رؤوف عادت‌واره‌ها و سرمایه‌هایی می‌بیند و خودش به این آگاهی دست می‌یابد که رؤوف برنده میدان قدرت است.

رؤوف علوان جز افرادی است که در داستان، سگ خطاب شده است. علوان از هر شرایطی بر ضد سعید به نفع خود بهره می‌برد. او را متهم به عدم تعادل روحی می‌کند و با خشونت پنهانی موانع را از سر راه خود برمی‌دارد؛ مثلاً زمانی که رؤوف با انجام اقداماتی همچون رسانه‌ای کردن کارهای سعید از طریق روزنامه، آن زمان که همه از پیشگیری کارهای او دست کشیدند، لجوجانه بازار کینه را نسبت به سعید گرم می‌کند و او را دزد و قاتل می‌خواند، بیانگر میدان قدرت اوست که از این میدان قدرت بهره می‌گیرد تا از هر موقعیتی برای رسیدن به اهدافش بهره ببرد؛ بنابراین، می‌توان گفت میدان قدرت را باید میدان اصلی یا غالب در هر جامعه تلقی کرد، روابط سلسله‌مراتبی قدرت پایه ساخت‌یافتن همه میدان‌های دیگر است.

۳-۳. تمایز در منش یا عادت‌واره

یکی از شاکله‌های اصلی رمان را می‌توان بر اساس عادت‌واره‌های کاملاً متمایز از هم دانست. سعید مهران، نور و طرزان را می‌توان دارای پایگاه طبقاتی پایین و رؤوف علوان و علیش سدره را با پایگاه طبقاتی بالا دانست. این بحث در سراسر رمان در نوع مسکن، زبان روزمره، شغل و سبک زندگی قابل مشاهده است. آنچه در گفتار حاضر نمود پیدا می‌کند، تقابل اجتماعی دو شخصیت اصلی رمان از دو طبقه خاص اجتماعی است.

در این رمان سعید با نمادهایی چون نوع پوشش، موقعیت اقتصادی بد، سابقه‌داربودن و غیره به تصویر کشیده شده است. از طرفی نیز رؤوف علوان را با نمادهایی مثل برخورداری از امکانات رفاهی متنوع، موقعیت شغلی مناسب، سبک زندگی و غیره متعلق به طبقه بالا می‌یابیم. این دو طبقه با یکدیگر نمی‌توانند گفتگوی مصالحه‌آمیز داشته باشند و ارتباطشان به درگیری لفظی منتهی می‌شود؛ از جمله در گفتگویی که میان سعید مهران و رؤوف علوان صورت می‌پذیرد با این مسئله مواجه می‌شویم:

● لم أتقن في حياتي إلا حرفة واحدة... فتساءل كالمترعج: أترجع إلى اللصوصية؟ هي مجزية جدا كما تعلم... فصرخ بحدة: كما تعلم! من أين لي أن أعلم؟! فرمقه بدهشة قائلاً: لم تغضب هكذا؟ قصدت أن أقول كما تعلم عن ماضي، أليس كذلك؟ (محفوظ، ۱۹۶۱: ۴۴)

ترجمه: در زندگی ام فقط یک کار بلد هستم... رؤوف مثل یک آدم نگران پرسید: دزدی را تکرار می‌کنی؟ همان‌طور که می‌دانی پول خوبی دارد... رؤوف به شدت فریاد کشید: همان‌طور که می‌دانی! من از کجا می‌دانم؟! سعید با وحشت به او نگاه کرد و گفت: این‌طور عصبانی نشو، منظورم این بود همان‌طور که از گذشته من باخبری، این‌طور نیست؟

در این رمان بارها از گفتگو صحبت می‌شود، اما در اصل گفتگویی که به توافق بین طرفین منجر شود، صورت نمی‌گیرد. در عوض این گفتگو به تنش و سوءتفاهم می‌انجامد. آن‌گونه که پروایی بیان می‌کند «در جامعه‌ای که امکان گفت‌وگو منتفی شده است، همه‌چیز به جدایی ختم می‌شود؛ از جمله جدایی طبقات پایین جامعه از متوسط» (۱۳۹۵: ۱۸۵). این مورد در گفتگو میان

دو شخصیت مصداق پیدا می‌کند. رؤوف به‌عنوان نمادی از طبقه بالای جامعه سعی در تبرئه خود از عملکرد ناهنجار در انباشت ثروت دارد و در مقابل، سعید مهران را به دزدی متهم می‌کند. این کنش رؤوف به ایجاد نفرت و اندیشه انتقام در سعید مهران منجر می‌شود.

در واقع تقابل و کشمکش میان شخصیت‌های حاضر، محصول تمایز قالب‌های زبانی طبقه بالا که رؤوف علوان نماد آن است و طبقه پایین جامعه که سعید مهران نماد آن است، در قالب گفتگوها آشکار می‌شود. «اختلافات و تعارض آشکار میان کسی که می‌کوشد تبعیض و طبقات را آشکار کند و کسی که سعی در کتمان آن دارد موجب نزاع و درگیری قابل ملاحظه‌ای میان دو شخصیت می‌گردد» (بوردیو، ۲۰۰۷: ۶۵)؛ و این تعارض آشکار، نمودی واقعی از این تمایز میان طبقات است که به‌صورت روشن در گفتگوی موجود میان شخصیت‌های مزبور به‌حسب احساس نارضایتی طبقه پایین جامعه از شرایط موجود جامعه (انباشت ثروت) ایجاد شده است.

● قلت لنفسي اذا كان الله قد مد له في العمر فسأجد الباب مفتوحاً ... فقال الشيخ
به‌دوء: خذ مصحفاً و اقرأ ... فارتبك سعيد قليلاً ثم قال بلهجة المعتذر: غادرت السجن
اليوم و لم أتوضأ. توضأ و اقرأ (محمفوظ، ۱۹۶۱: ۲۸).

ترجمه: با خود گفتم اگر عمرش به دنیا باشد و زنده باشد، آن در را باز می‌بینم. شیخ به‌آرامی
گفت: قرآنی بردار و بخوان ...! سعید کمی دست‌پاچه شد و با حالت عذرخواهی گفت: امروز از
زندان آزاد شدم. وضو نگرفتم ... وضو بگیر و بخوان!

در گفتار حاضر می‌بینیم که شخصیت اصلی داستان (سعید مهران) دارای اخلاق معنوی است که از عادت‌واره خانوادگی خود در دوران کودکی تأثیر پذیرفته است؛ به‌طوری‌که بعد از آزادی از زندان به‌خاطر تعلقات دینی به خانه شیخ جنیدی باز می‌گردد. در واقع رابطه میان سعید مهران و شیخ جنیدی نماد بخش ایمان‌گرایی سعید مهران است. در مقابل، در طبقه فرادست جامعه رؤوف علوان قرار دارد که هیچ تعلق معنوی در زندگی روزمره او دیده نمی‌شود. حتی در رفتارها و گفتارهای این شخصیت دال‌های مذهبی و دینی مصداقی نمی‌یابد؛ به‌طوری‌که رؤوف علوان، همان شخصیت قدیم که نماینده آزادی‌خواهان بوده است، به‌واسطه آمیخته‌شدن با طبقه ثروتمند به فردی تبدیل می‌شود که به اصول اخلاقی گذشته خود پایبند نیست.

۳-۴. عرصه‌ها و سرمایه‌ها

بوردیو مفهوم عرصه‌ها و سرمایه‌ها را در میدان‌های اجتماعی بررسی می‌کند. به باور او «استنباطی که از مفهوم میدان بوردیو می‌شود، درست مثل میدان فوتبال است که به‌خودی‌خود معنایی ندارد» (گرنفل، ۱۳۹۳: ۱۲۸-۱۲۹). چیزی که در میدان بر سر آن بازی می‌شود، افزودن سرمایه است. سرمایه هم روند و هم محصول یک میدان است؛ بنابراین، طبق دیدگاه بوردیو، یک میدان عرصه اجتماعی است که مبارزه‌ها با تلاش بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آنها در آن صورت

می‌گیرد و وسعت میدان‌ها هم متفاوت است. در این رمان ما با سرمایه‌های متعددی مواجه هستیم که شخصیت‌ها در طی زمان از دست داده یا به دست آورده‌اند.

● عم مه‌ران الکهل الطیب بواب عمارة الطلبة. العمل و القناعة و الأمانة؛ و قد اشترکت معه فی الخدمة منذ الطفولة؛ و رغم البساطة و الفقر كانت الأسرة تفوز فی ختام یومها بجلسة هنية فی الحجرة الأرضية بجوش العمارة الرجل و امرأته يتحادثان و الطفل یلعب (م‌حفوظ، ۱۹۶۱: ۱۱۲).

ترجمه: عم مه‌ران آن پیرمرد خوب، دربان ساختمان دانشجویی. کار و قناعت و امانت‌داری. تواز زمان بچگی در خدمتکاری با آن هم‌کاری کردی. با وجود آن سادگی و فقر، آخر هر روز خانواده با آرامش در سالن حیاط ساختمان کنار هم می‌نشستند. آن مرد وزن گرم صحبت می‌شدند و بچه هم بازی می‌کرد.

از توصیفاتی که در این متن درباره پدر سعید ارائه می‌شود، می‌توان به سرمایه خانوادگی وی پی‌برد. او در خانواده‌ای با سرمایه اقتصادی پایین به دنیا آمده بود؛ به طوری که با توجه به شغل خدمتکار ساختمان دانشجویی در مرتبه پایگاه شغلی پائینی قرار گرفته است. واژگانی همچون «دربان ساختمان»، «خدمتکاری» و «فقر» مفاهیمی هستند که سرمایه اقتصادی پائین شخصیت اصلی داستان را نمایان می‌سازند.

درباره سرمایه معنوی سعید مه‌ران در کودکی، می‌توان به دو نمونه اشاره کرد؛ در آنجایی که بعد از رهایی از زندان به محله قدیمی خود و شیخ‌علی جنیدی سر می‌زند و خاطرات کودکی زنده می‌شود:

● و ترنح الأب وسط الذکر، غابت عیناه، بح صوته، تصیب عرقا؛ و جلس هو عند النخلة و یشاهد صفی المریدین تحت ضوء الفانوس و یقضم دومة و ینعم بسعادة عجبیه؛ و کان ذلك سابقا لثول أول قطرة حارقة من شراب الحب (همان: ۲۶).

ترجمه: پدر در میان ذکر تلو‌تلو می‌خورد. چشمانش را می‌بست، صدایش می‌گرفت و عرقش جاری می‌شد. سعید کنار نخل می‌نشست و صفوف مریدان را زیر نور فانوس تماشا می‌کرد و از خرماهای آن می‌خورد و احساس خوشبختی عجیبی می‌کرد؛ و آن آغاز ریزش اولین قطره سوزان از شراب عشق بود.

همان‌طور در ارتباط با شخصیت سعید با توجه به متن رمان، مشخص می‌شود که در کودکی در خانواده‌ای با سرمایه معنوی بزرگ شده است. ترکیباتی همچون «سرودهای صوفیانه»، «ذکرهای پدر» و «صفوف مریدان» نمودهایی از سرمایه معنوی خانواده سعید مه‌ران است که نشان می‌دهد در کودکی در فضایی معنوی بزرگ شده است؛ اما با گذشت زمان و با تغییر شخصیت و انحرافات رفتاری او، سرمایه معنوی وی از دست می‌رود؛ چنان‌که در مواجهه با شیخ جنیدی می‌بینیم که این سرمایه در او رنگ‌باخته است:

• الصبر مقدس تقدس به الأشياء ... فقال سعيد بغم: بل المجرمون ينجون و يسقط الأبرياء ... فقال الشيخ برحمة: التوكل ترك الايواء الا الى الله ... فسأله باشفاق: هل تتخلى عني؟ معاذ الله ... فتسأل في يأس: هل في وسعك بكل ما أوتيت من فضل أن تنقذني؟ أنت تنقذ نفسك ان شئت ... (محمفوظ، ۱۹۶۱: ۱۶۳).

ترجمه: صبر مقدس است با آن دیگر چیزها را قداست ببخش ... سعید با ناراحتی گفت: جنایتکاران و مجرمان نجات پیدا می‌کنند و این بی‌گناهان هستند که سقوط می‌کنند ... شیخ با مهربانی گفت: توکلت به خدا باشد ... سعید با دلخوری از او پرسید: دست از سرم برمی‌داری؟ پناه بر خدا ... با ناامیدی پرسید: می‌توانی به قدر فضل و کرمی که به تو داده شده، من را نجات ببخشی؟ تو اگر بخواهی خودت را نجات می‌دهی؟

همان‌طور که در متن مشخص است، شیخ در مواجهه با بحران قهرمان داستان، نمی‌تواند برای او راه حلی ارائه دهد و فقط چاره کار را در صبرکردن و کنارآمدن با شرایط حاضر جامعه می‌داند؛ اما وی قانع نمی‌شود و با دلسردی با شیخ برخورد می‌کند و آن چهره عرفانی شیخ جنیدی در نظر سعید مهران فرومی‌ریزد. در واقع باید گفت اندیشه مثبتی که سعید مهران برای رفع مشکل به شیخ داشت، به جهت کارساز نبودن راهکار وی، به تصویری منفی تبدیل می‌شود و با این اندیشه منفی او را هم‌تراز رؤوف علوان قرار می‌دهد.

همچنین در ادامه با توجه به گفتگوی درونی شخصیت سعید در متن زیر، می‌توان سرمایه فرهنگی او را بازشناخت:

و علمتي حبّ الكتاب و ناقشتني كآني نذُّ لك (محمفوظ، ۱۹۶۱: ۱۲۴).

و به من دوست داشتن کتاب را یاد دادی و به گونه‌ای با من بحث کردی که انگار من به‌مانند تو هستم.

همان‌طور که اشاره شده است، سعید به لطف دوستش، رؤوف علوان که دانشجوی انقلابی بود، توانست در مدرسه ثبت نام کند و با وجود تعلق داشتن به طبقه پایین جامعه، سرمایه فرهنگی را به دست آورد. این مسئله در گفتار حاضر نیز نمود می‌یابد. سعید مهران شخصیتی است که عشق خود را به کتاب مرهون رؤوف علوان می‌داند. در واقع عشق به کتاب در گفتار مزبور، نمودی از سرمایه فرهنگی سعید مهران است؛ البته باید یادآور شد که سعید مهران این سرمایه‌ها را که طی زمان کسب می‌کند، در مواجهه با شرایط اجتماعی از دست می‌دهد.

در مقابل، شخصیت رؤوف علوان دارای مجموعه‌ای از دارایی‌ها و قدرت و سرمایه اقتصادی (روزنامه‌نگار برجسته و ثروتمند) است. همچنین دارنده سرمایه فرهنگی است که تمایز خود را در سه شکل این سرمایه نمایش می‌دهد: سرمایه تجسم‌یافته، سرمایه عینی به شکل کالاهای فرهنگی، مثل کتاب، و سرمایه نهادینه‌شده که با عناوین تحصیلی و روزنامه‌نگاری برجسته می‌شود، حتی به اعتبار روزنامه‌اش، از سرمایه نمادین هم برخوردار است که به نوعی از این طریق به رسمیت شناخته می‌شود و برخوردار از هر سه نوع سرمایه دیگر برایش امکان‌پذیر می‌گردد؛ چراکه سرمایه نمادین

به‌نوعی از شأن و منزلت شخصی سرچشمه می‌گیرد و مجموعه ابزارهای نمادینی چون شخصیت و اعتبار، احترام و قابلیت‌های فرد در رفتارها (کلام و نحوه سخن گفتن و اعتمادبه‌نفس) را به فرد اعطا می‌کند؛ که این مسئله در ذائقه‌ها و سبک زندگی شخصیت‌های داستان نمود می‌یابد و ما در ادامه بدان می‌پردازیم.

۳-۵. تمایز در ذائقه‌ها

همان‌طور که اشاره شد، ذائقه برای بوردیو از طریق عادت‌واره یا سبک زندگی نخبه فرهنگی تعریف می‌شود. مجموعه واحدی از ترجیحات متمایز که هدف معنادار یکسانی را در منطق خاصی از هر خرده فضای نمادین بیان می‌کنند؛ خرده فضاهایی همچون مبلمان، لباس، زبان یا بدن. وی از انواع ترجیحات ذائقه‌ای در موسیقی، غذا و آشپزی، ورزش، علایق سیاسی، ادبیات و حتی آرایش مو سخن می‌گوید. در این رمان به‌وضوح می‌توان در سبک زندگی رؤوف علوان این خرده فضاهای را یافت.

● و أضاء خادم النجفة فخطفت بصر سعيد بمصاييحها الصاعدة و نجومها و أهلتها؛ و علی ضوئها المنتشر تجلت مرايا الأركان عاكسة الأضواء و تبدت التحف الثاوية علی الحوامل المذهبة كأنما بعثت من ظلمات التاريخ و تماويل السقف و زخارف الابسطة و المقاعد الوثيرة و الوسادة المستقرة عند ملقي الأقدام (همان: ۳۸).

ترجمه: خدمتکار لوستر را روشن کرد. چراغ‌های پرنور و ستاره‌ها و هلال‌هایی که درونش بود، چشم سعید را زد. با پراکنده‌شدن نور چراغ‌ها، آینه‌هایی که نور را منعکس می‌کردند، گوشه‌های خانه نمایان شدند. جواهرات روی بست‌های طلایی که انگار از ظلمت تاریخ برخاسته و نقش و نگارهای سقف و شکل فرش‌ها و صندلی‌های راحتی و بالشتک‌هایی که جلوی پا گذاشته شده بود، نمایان شد.

در این بخش از رمان، توجه اصلی نویسنده به نوع امکاناتی بود که سعید مهران در شیوه زندگی رؤوف علوان مشاهده می‌کرد. لوستر روشن، چراغ‌های پرنور و هلال‌های درون آن، نور چراغ‌ها که در آینه تلالو یافته است و نیز جواهرات و روبست‌های طلایی، نقش و نگارهای سقف و شکل فرش‌ها و صندلی‌های راحتی و بالشتک‌هایی که جلوی پا گذاشته بودند، همگی موجب خیرگی سعید مهران شده است.

همچنین در ادامه در جای دیگری از رمان، نویسنده به توصیف قهوه‌خانه طرزان می‌پردازد:

لم يتغير شيء كأنه تركها بالأمس. الحجرة المستديرة، النصبه النحاسية، الكراسي الخشبية ذات المقاعد من القش المقنول، الزبائن القلائل المعروفون الموزعون في الأركان، يتخسون الشاي و يعقدون الصفقات (همان: ۵۸).

ترجمه: هیچ چیز تغییر نکرده. انگار دیروز آنجا را ترک کرده بود. آن اتاق دایره‌ای شکل، آن تابلوی مسی، آن صندلی‌های چوبی با نشیمن‌های حصیربافت، آن مشتری‌های انگشت‌شمار همیشگی که این گوشه و آن گوشه پخش شده بودند، چای می‌نوشیدند و معامله می‌کردند.

همه این موارد اشاره دارد به تفاوت در ذائقه‌های فرهنگ متشخص یا ناب که رؤوف علوان نماد آن است، با ذائقه عوامانه که ویژگی‌های طبقه پایین است و سعید مهران و دوستانش مثل صاحب قهوه‌خانه در آن جای می‌گیرند؛ در آنجا که نویسنده رمان به توصیف قهوه‌خانه طرزان می‌پردازد و نشان می‌دهد که اعضای این طبقه در موقعیت جذب شدن در فرهنگ متشخص نیستند. همان‌طور که بورديو به‌خوبی اشاره می‌کند و تمایز و تملک انواع سرمایه‌ها را منشأ تفاوت در ذائقه‌ها می‌داند، نویسنده اللص و الکلاب نیز در پاره‌ای گفتارها، حتی به شیوه‌ها و آداب نوشیدن و غذا خوردن اشاره دارد که ترجیحات ذائقه‌ای در غذا را نشان می‌دهد.

و أوماً الاستاذ للخدام فانسحب و راح يملأ بنفسه الكأسين ثم قدم إحداهما إلى سعيد و رفع الأخرى قائلاً: صحة الحریة؛ و أفرع سعيد كأسه دفعة واحدة علی حين تناول رثوفه رشفة (محفوظ، ۱۹۶۱: ۳۹).

ترجمه: استاد به خدمتکار اشاره کرد و او عقب رفت و خودش مشغول پرکردن لیوان‌ها شد. یکی از آنها را به سعید داد و دیگری را بلند کرد و گفت: به سلامتی آزادی؛ درحالی‌که رؤوف در حال نوشیدن بود، سعید یک‌باره لیوان را خالی کرد.

نجیب محفوظ در ادامه گفتار حاضر با بیان عبارت «راح يملأ بنفسه الكأسين» به طرز ریختن نوشیدنی در لیوان و شیوه نوشیدن رؤوف و نیز در ادامه با بیان عبارت «أفرع سعيد كأسه دفعة واحدة علی حين تناول رثوفه رشفة» به طرز نوشیدن سعید مهران در رمان اشاره دارد. در واقع رؤوف علوان به‌آرامی نوشیدنی خود را می‌نوشد و سعید یک‌سره آن را سر می‌کشد؛ و همچنین در ادامه گفتار «سعید بدون اجازه از رؤوف علوان» یک لیوان دیگر را پر کرده و می‌نوشد. بررسی هر یک از این نوع از رفتارها اشاره کلی به سبک زندگی شخصیت‌های رمان دارد و نوع سبک زندگی در ذائقه‌های عاملان کنش خلاصه می‌شود.

در جمع‌بندی مفاهیم ذکرشده، می‌توان گفت که نجیب محفوظ در رمان اللص و الکلاب نوعی تمایز و تشخیص طبقاتی را بر اساس تمایز در سرمایه‌ها، عادت‌واره‌ها و ذائقه‌ها در یک فضای اجتماعی برجسته می‌سازد.

۴. نتیجه

در این پژوهش، پژوهشگران با بررسی هریک از نمونه‌ها در قالب مفاهیم اصل عادت‌واره به نتایج ذیل دست‌یافته‌اند:

۱. با توجه به دیدگاه بورديو، فضای اجتماعی، بزرگ‌ترین ساختاری است که می‌تواند نمایانگر جامعه باشد؛ لذا می‌توان جامعه مصر را به‌عنوان یک فضای اجتماعی در رمان اللص و الکلاب قلمداد کرد. نویسنده این رمان، قهرمانان داستان را از میان مردم در فضای اجتماعی آن دوره مصر انتخاب کرده است. از آنجایی که ساختار فضای اجتماعی به‌صورت سلسله‌مراتبی و مبتنی بر

تمایزها و تفاوت‌هاست، افراد و گروه‌ها بر اساس نوع روابطشان با یکدیگر بر پایه نوع تمایز و تفاوت و جایگاهی که نسبت به هم دارند، موجودیت می‌یابند؛ لذا به راحتی می‌توان از طریق شخصیت‌های رمان نیز این تمایز را نمایان ساخت.

۲. تمایز و نوعی موقعیت طبقه‌ای بر اساس نوع و حجم سرمایه‌های افراد شکل می‌گیرد که در این رمان شخصیت‌های اصلی داستان (سعید مهران و رؤوف علوان) بر پایه انباشت سرمایه‌ها در میدان‌های مختلف تجلی می‌یابد. رؤوف به عنوان نماد طبقه فرادست، بیشترین میزان سرمایه‌ها و قدرت را دارد که از طریق تمایزگذاری، هویت معینی را تأیید و با مشروعیت‌سازی گاهی بینش معینی از جهان اجتماعی را برای طبقه فرودست جامعه (که سعید مهران نماد آن است) تعریف و بر آن تحمیل می‌کند. این مسئله به نوعی تشخیص و تمایز را میان طبقات اجتماعی آشکار می‌نماید. رؤوف علوان با مشروعیت‌سازی به نوعی شخصیت اول رمان را فردی بی‌نهایت خطرناک و مجرم معرفی می‌کند. در مقابل سعید مهران کمترین مقدار نوع و حجم سرمایه‌ها را دارد. شاخص اصلی طبقات پایین، محرومیت آنهاست و در پایین‌ترین فضای اجتماعی قرار گرفته‌اند و محکوم به انتخاب اجباری هستند.

۳. همچنین این وضعیت طبقه‌ای، بافتی را شکل می‌دهد که عادت‌واره‌های شخصیت‌ها هم در چارچوب آن شکل می‌گیرد؛ لذا طبقات فرودست، تجربه‌های متفاوتی با طبقات فرادست دارند؛ زیرا سرمایه‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌های ناشی از این سرمایه تفاوت دارد. این تجارب در عادت‌واره‌های آنها مستقر می‌شود. بدین شکل، افراد در میدان‌های مختلف بر اساس سرمایه‌ها و عادت‌واره‌ها خود را متمایز می‌کنند و نوعی تمایز بین طبقات اجتماعی بر ساخته می‌شود. تفاوت‌های ذکر شده در شرایط طبقاتی مختلف درباره شخصیت‌های رمان، دو نوع منش طبقاتی متمایز را ایجاد می‌کند که به نحوی دیالکتیکی آشکار می‌شود. این دو منش متفاوت، دو نوع ذائقه را هم تولید می‌کند که در شخصیت‌های تجملاتی رؤوف همچون نوع پوشش، آداب غذا خوردن و نوشیدن و غیره نمود یافته است. این مسئله نیز در منش، باور و رفتار سعید تأثیرگذار است.

۴. مسئله دیگری که در محتوای رمان نمود یافته، بحث سلطه و خشونت نمادین است که متأثر از شرایط و موقعیت اجتماعی سعید مهران در قبال قدرت و سرمایه‌های رؤوف علوان است. از آنجا که سعید توانایی ورود به موقعیت رؤوف را ندارد، دست به نوعی مقاومت در برابر سلطه می‌زند که این عمل به خشونت نمادینی منجر می‌گردد که علیه او اعمال می‌شود. در این رمان رؤوف به خاطر وابستگی به طبقه بالای جامعه، می‌تواند نوعی سلطه را علیه شخصیت اصلی رمان اعمال کند. در واقع خشونت نمادین به صورت قانون‌های نانوشته در فضای اجتماعی، نقش ایفا می‌کند و به برتری فرادستان می‌انجامد. این طبقه مسلط است که سرنوشت سعید مهران را تعیین می‌کند و نه خود او. شرایط سعید نتیجه ساختار نابرابر جامعه است. او تلاش می‌کند خود دست به اقدام بزند؛ اما چون در حاشیه جامعه قرار گرفته است، عملاً توانایی و قدرتی برای تغییر ندارد.

منابع

- أبودوح، خالدكاظم (۲۰۱۹)، «رأس المال الثقافي مقارنة سوسولوجية»، *التفاهم*، العدد ۶۳، وزارة الأوقاف و الشؤون الدينية في مسقط، سلطنة عمان، صص ۳۲۱-۳۳۶.
- آزاددل، عادل، شهریار گیتی و نرگس معصومی (۱۳۹۵)، «بررسی و تطبیق عنصر شخصیت پردازی در رمان اللص و الكلاب، اثر نجیب محفوظ و بار دیگر شهری که دوست می داشتیم، اثر نادر ابراهیمی»، *یازدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان*، صص ۵۷۱-۶۰۰.
- بدرستانی، محبوبه (۱۳۹۰)، *دزد و سگها (ترجمه، بررسی و نقد)*، تهران، علم و دانش.
- بورديو، پیر (۲۰۰۷)، *الرمز و السلطة، ترجمة عبدالسلام بنعبد العالي*، المغرب، الدار البيضاء.
- _____ (۲۰۰۲)، *عبارة أخرى محاولات باتجاه سوسولوجيا إنعكاسية*، ترجمة أحمد حسان، القاهرة، ميريت للنشر و المعلومات.
- _____ (۱۳۹۰)، *تمايز، نقدهای اجتماعی قضاوت های ذوقی*، ترجمة حسن چاوشیان، تهران، ثالث.
- _____ (۱۳۸۶)، *علم علم و تأمل پذیری*، ترجمة یحیی امامی، تهران، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- _____ (۱۳۸۰)، *نظریه کنش*، ترجمة مرتضی مردهیا، تهران، نقش نگار.
- _____ (۱۹۹۵)، *أسئلة علم الاجتماع حول الثقافة و السلطة و العنف الرمزي*، ترجمة إبراهيم فتحي، القاهرة، دارالعالم الثالث.
- بون ویتز، پاتریس (۱۳۹۱)، *درس هایی از جامعه شناسی پی بورديو*، ترجمة جهانگیر جهانگیرپور و حسن پورسفیر، تهران، آگه.
- پروایی، شیوا (۱۳۹۵)، «خوانش جامعه شناسی بورديو از فیلم جدایی نادر از سیمین با تأکید بر جامعه ایران»، *انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال دوازدهم، ش ۴۴، صص ۱۷۳-۱۹۷.
- توحیدفام، محمد و مرضیه حسینیان امیری (۱۳۸۸)، «تلفیق کنش و ساختار در اندیشه گیدنز، بورديو و هابرماس و تأثیر آن بر جامعه شناسی جدید»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، ش ۱۵، صص ۷۹-۱۰۷.
- جمشیدی، فاطمه و وصال میمندی (۱۳۹۶)، «شخصیت پردازی در رمان اللص و الكلاب اثر نجیب محفوظ»، *ادب عربی*، دوره ۹، ش ۱، صص ۱۳۳-۱۵۲.
- زدام، کاتوم (۲۰۱۳)، *البعء الاجتماعي في رواية اللص و الكلاب لنجيب محفوظ*، الجزائر، جامعة محمد بودیاف.
- شوفالیه، ستیفان و کریستیان شوفیری (۲۰۱۳)، *معجم بورديو*، ترجمة الزهرة إبراهيم، دمشق، الشركة الجزائرية السورية للنشر و التوزيع.
- الشهري، عبدالهادي بن ظافر (۲۰۰۴)، *إستراتيجيات الخطاب: مقارنة لغوية تداولية، بنغازي*، دارالكتاب الجديد المتحدة.
- عبدالله، مروة صلاح الدين (۲۰۲۰)، «رأس المال الاجتماعي و التنمية الاجتماعية: تحليل مقارن لنظريتي تماسك العلاقات و الشبكة الاجتماعية بالتطبيق على جماعات العمل في الجمعيات الأهلية»، *بحوث العلوم الاجتماعية و التنمية*، المجلد الثاني، صص ۱۲۷-۱۸۰.
- گرنفل، مایکل (۱۳۹۳)، *مفاهیم کلیدی پیر بورديو*، ترجمة محمدمهدی لیبی، تهران، افکار، چاپ سوم.
- محفوظ، نجیب (۱۹۶۱)، *اللص و الكلاب*، القاهرة، دار مصر.
- Turner.B and Edmunds.T(2002), "The Distate of Taste, Bourdieu, cultural capital and Australian", *Consumer Culture. Vol 2*, 219-244.

Alkhawaja. A. Linda (2019), “*Habitus and Intellectual Trajectory in the translational Process: A case study*”, Al- Balqa Journal for research & studies, Vol 22, No 1. 9-24.

References

- Abdullah, M. S. (2020). Social capital and social development: A comparative analysis of the theories of relational cohesion and the social network by applying to work groups in NGOs. *Journal of Social Sciences and Development Researches*, 2(2), 127-180. [In Arabic]
- Abudouh, Kh. (2019). Cultural capital, a sociological approach. *Al-Tafahom*, 63, 321-336. [In Arabic]
- Alkhawaja. A. Linda (2019), “*Habitus and Intellectual Trajectory in the translational Process: A case study*”, Al- Balqa Journal for research & studies, Vol (22), No (1). 9-24. [In English]
- Al-Shahri, A. (2004). *Discourse strategies: A pragmatic and linguistic approach*. Benghazi, Libya: Dar al-Kutub al-Jadid al-Motahidah. [In Arabic]
- Azaddel, A., Giti, Sh., & Masoumi, N. (2016). Exploring and comparing characterization in the novel *The Thief and the Dogs* by Najib Mahfouz and *Once more the City I Loved* by Nader Ebrahimi. Paper presented at *The Symposium Iranian Society for the Promotion of Persian Language and Literature*, (11). Guilan University, Guilan, Iran. 571-600. [In Persian]
- Bonnewitz, P. (2012). *Some lessons on the sociology of Pierre Bourdieu* (J. Jahangirpour & H. Poursafir, Trans.). Tehran, Iran: Agah. [In Persian]
- Bourdieu, P. (2001). *Action theory* (M. Mardiha, Trans.). Tehran, Iran: Nagsh Negar. [In Persian]
- Bourdieu, P. (2002). *In other words: Essays towards a reflexive sociology* (A. Hesani, Trans.). Cairo, Egypt: Merit. [In Arabic]
- Bourdieu, P. (2007). *Code and power* (A. Benabod al-Ali, Trans.). Rabat, Morocco: Dar al-Baiza'. [In Arabic]
- Bourdieu, P. (2007). *Science of science and reflexivity* (Y. Emami, Trans.). Tehran, Iran: National Research Institute for Science Policy. [In Persian]
- Bourdieu, P. (2007). *Sociology questions about culture, power and symbolic violence* (E. Fathi, Trans.). Cairo, Egypt: Dar al-Alam al-Salis. [In Arabic]
- Bourdieu, P. (2011). *Distinction a social critique of the judgment of taste* (H. Chavoshian, Trans.). Tehran, Iran: Sales. [In Persian]
- Chevallier, S., & Chauviré, C. (2013). *Bourdieu dictionary* (Z. Ibrahim, Trans.). Damascus, Syria: Dar al-DJazair. [In Arabic]
- Grenfell, M. (2014). *Pierre Bourdieu: Key concepts* (M. Labibi, Trans.). Tehran, Iran: Afkar. [In Persian]
- Jamshidi, F., & Meimandi, V. (2017). Al- Kilāb by Najib Mahfūz. *Journal of Arabic Literature*, 9(1), 133-152. [In Persian]
- Mahfouz, N. (1961). *The thief and the dogs*. Cairo, Egypt: Dar Misr. [In Arabic]
- Mahfouz, N. (2011). *The thief and the dogs* (M. Baderestani, Trans.). Tehran, Iran: Elm va Danesh. [In Persian]
- Parvaie, Sh. (2016). Sociological reading by Bourdieu of the film A Separation of Nader from Simin with an emphasis on Iran's society. *Journal of Cultural Studies Communication*, 12(44), 173-197. [In Persian]
- Turner, B. and Edmunds, T. (2002), “*The Distate of Taste, Bourdieu, cultural capital and Australian*”, *Consumer Culture*. Vol (2). 219-244. [In English]
- Tohidfam, M., & Hosseinian Amiri, M. (2009). Integration of action and structure in the thoughts of Giddens, Bourdieu and Habermas and its effect on the new sociology. *Research Letter of Political Sciences*, 4(15), 79-107. [In Persian]
- Zedam, K. (2013). *Social dimension of Najib Mahfouz's The Thief and the Dogs*. Unpublished thesis. [In Arabic]